

نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی در ایران

محمدرضا علی اکبری مارانتو

چکیده

عصر حاضر با اصطلاحاتی چون عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای و شبکه اجتماعی تبیین و توصیف می‌شود. در عصر فناوری اطلاعات، دولت‌ها و بازیگران غیردولتی اگر بر اطلاعات و ابزارهای اطلاعاتی سوار باشند و بتوانند آن را به کنش تبدیل کنند، پیروز رقابت‌ها خواهند بود. فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی از ویژگی‌ها و صفاتی چون ارتباط‌پذیری، تعامل و هوشمندی و فراگیری برخوردارند که کاربردهای متنوع و چندگانه‌ای دارند و تأثیر به‌سزایی بر سیاست داشته‌اند و امروزه به عنوان یکی از منابع قدرت شناخته می‌شوند. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: فناوری اطلاعات و ارتباطات چه تأثیری بر میزان مشروعیت حکمرانی سیاسی در ایران می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ به این سوال، در چارچوب ابزارگرایی تکنولوژیک این فرضیه به‌سنجش گذاشته می‌شود که: ایران می‌تواند با سیاستگذاری در حوزه فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی چون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی باعث ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی شود.

کلید واژه‌ها: ایران، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشروعیت حکمرانی سیاسی، ابزارگرایی تکنولوژیک.

فناوری اطلاعات و ارتباطات و رابطه آن با سیاست و اجتماع از مسائل مهم در پژوهش‌های معاصر است. امروزه تحولی تازه و بسیار گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً تازه و متفاوتی با مفهوم، عملکرد و تأثیر رسانه در برابر پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایم جدیدی در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه بسیار سریع و حیرت‌آور فناوری‌های جدید ارتباطی در جهان امروز است که در مدت زمان کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته است و مهم‌ترین شکل و نمایان‌ترین محصول آن، شبکه اینترنت و «تار جهان‌گستر» است. شبکه اینترنت که تنها در عرض چند سال صدها میلیون نفر از مردم جهان را در کشورهای مختلف در ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با یکدیگر قرار داده است، ظرفیت‌ها و امکانات فوق‌العاده و بی‌سابقه‌ای برای ارتباط زنده و دوسویه میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌های مدنی و دولت‌ها ارائه نموده است (میناوند، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۰). فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات زمینه‌ساز پیدایش نوعی رسانه اجتماعی شده‌اند که توانسته است بسترهای مناسبی را برای تغییرات اجتماعی ایجاد کند. این رسانه با دارا بودن ویژگی تعاملی و اشتراک‌گذاری، فضای نوینی را در عرصه کنشگری ایجاد می‌کند (خانیک‌ی و بابائی، ۱۳۹۰: ۷۱). این فناوری به گونه‌ای است که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی دارند و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد دیگر، فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را می‌دهند. به نظر می‌رسد ویژگی فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط گروه با گروه و فرد با گروه، ما را به سوی نوعی فرهنگ سایبرنتیکی پیش می‌برد که ضرورت توجه به این فضا را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: فناوری اطلاعات چه تأثیری بر میزان مشروعیت حکمرانی سیاسی در ایران می‌تواند داشته باشد؟ برای بررسی این موضوع ابتدا مهم‌ترین آثار نگاشته شده در این حوزه مرور می‌شود، سپس چارچوب نظری این پژوهش یعنی ابزارگرایی تکنولوژیک مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بیان رابطه فناوری اطلاعات و مشروعیت حکمرانی سیاسی نهایتاً نقش فناوری اطلاعات در ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی در ایران تبیین می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

۱. مجید رضائیان (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «شبکه‌های اجتماعی؛ چالش در تعریف افکار عمومی»، فصلنامه رسانه، ضمن بررسی پیشینه مفهوم افکار عمومی بیان می‌کند که از گذشته تا کنون، افکار عمومی سه تعریف را پشت سر گذاشته است: از تعریف فلسفی به سیاسی، از تعریف سیاسی به اجتماعی و از تعریف اجتماعی به سیاسی، و عوامل تشکیل دهنده افکار عمومی را قدرت، نهادها و رسانه‌ها را برمی‌شمرد. رضائیان ضمن بررسی نظریات مک لوهان و کاستلز به نقد آن‌ها می‌پردازد و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که باور «رسانه همان پیام است» غلط می‌باشد و بلکه «مخاطب، همان پیام است» و شبکه‌های اجتماعی قادرند «افکار شبکه‌ای شده» را جایگزین «افکار عمومی» کنند. در این مقاله اشاره‌ای به تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر مشروعیت حکمرانی سیاسی نشده است که در پژوهش حاضر به این مهم توجه می‌شود.

۲. سعید فرامرزینی، شهناز هاشمی علی و اکبر فرهنگی (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان «نقش رسانه‌های مجازی در تغییرات ارزش‌های اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی تلگرام و فیس‌بوک» فصلنامه توسعه اجتماعی، به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام بر تغییر ارزش‌های جوانان در ایران می‌پردازد و در این راستا ابتدا ارزش‌ها و ارزش‌های اجتماعی، فناوری‌های نوین ارتباطی، تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بیشتر بر حوزه خصوصی و نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز را توضیح می‌دهد سپس یافته‌های خود را براساس روش پیمایشی تحلیل می‌نماید و به این نتیجه می‌رسد که فیس‌بوک و تلگرام باعث تغییر ارزش‌های جوانان ایرانی در حوزه پوشش، دین‌گرایی، همسرگزینی و... شده است. در این مقاله با دیدی منفی تأثیرات رسانه‌های مجازی را بر جوانان بررسی می‌کند اما آنچه که مسلم است این است که فناوری اطلاعات به یک بعد غالب در زندگی انسان‌ها تبدیل شده است و باید تهدیدهای آن را به فرصت در راستای ارتقاء مشروعیت سیاسی به ویژه در ایران تبدیل کرد که در پژوهش حاضر به بیان آن پرداخته می‌شود.

۳. دانیل مک کارتی (۲۰۱۵) در کتاب خود تحت عنوان «قدرت، فناوری اطلاعات و تئوری روابط بین‌الملل (قدرت و سیاست خارجی ایالات متحده: سیاست و اینترنت)»، انتشارات پالگرو، سعی می‌کند با نگاهی تئوریک جایگاه تکنولوژی‌های جدید را در سیاست خارجی ایالات متحده تبیین کند. از اینرو ابتدا جایگاه مفهومی تکنولوژی را بررسی می‌کند سپس سه دیدگاه عمده در خصوص تکنولوژی را بررسی می‌کند: دیدگاه اول یعنی ابزارگرایی تکنولوژیک بر آن است که اشیاء تکنولوژیک موجب تغییرات سیاسی و اجتماعی نمی‌شوند. بلکه معتقدند استفاده از این شیء تکنولوژیک است که به آن نقش تعیین کننده در امور انسانی را می‌دهد؛ و دیدگاه دوم یعنی ماهیت گرایی تکنولوژیک بر آن است که تکنولوژی باعث تغییرات اجتماعی می‌شود. این رویکرد اشیاء تکنولوژیک را دارای ویژگی‌های ذاتی می‌داند، ماهیت اشیاء تکنولوژیک موجب تغییرات سیاسی و اجتماعی می‌شود؛ دیدگاه سوم یعنی سازنده انگاری راهی میانه در بین این دو نظریه است که به تأثیر متقابل ساختار-کارگزار اعتقاد دارد. سپس در فصل‌های بعد دیدگاه نظریه‌های تاریخی مادی گرایانه (سوسیالیسم و مارکسیسم)، انتقادی، ساختارگرایی و نهادگرایی را نسبت به تکنولوژی‌های جدید بررسی می‌کند و نهایتاً رویکرد روابط خارجی دولت بوش و اوباما و قدرت نهادی از اینترنت را تبیین می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که اینترنت و به طور کلی تکنولوژی‌های جدید نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد ایالات متحده دارند. اما این کتاب نقش این تکنولوژی‌ها را بطور مشخص بر مشروعیت حکمرانی سیاسی بررسی نکرده است که در این پژوهش با تکیه بر چارچوب نظری ابزارگرایی تکنولوژیک مطرح شده توسط مک کارتی به بیان این مهم پرداخته می‌شود.

به طور کلی باید بیان کرد که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه عمدتاً به اهمیت فناوری اطلاعات و تأثیرات آن می‌پردازد؛ اما با توجه به اینکه استفاده از این فناوری‌ها در ایران بطور گسترده‌ای در حال افزایش است باید بیان کرد اگر سیاستگذاری مناسبی در این حوزه صورت نگیرد به تهدیدی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

تبدیل می‌شود و مشروعیت آن را با بحران مواجه می‌سازد که هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به این مهم توجه نداشته‌اند و جمهوری اسلامی ایران باید با کنش به موقع، این فضا را به فرصتی برای ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی خود تبدیل کند.

۴. چارچوب نظری: ابزارگرایی تکنولوژیک

از نظر رابرت کوهن^۱ و جوزف نای^۲ فناوری اطلاعات و ارتباطات از دو جهت دارای اهمیت هستند. اول، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی یک جریان اطلاعاتی رو به افزایش و به تبع آن شفافیت رو به افزایشی را ایجاد کرده و تعاملات دولت ها را به سمت اشکال همکاری جویانه ی بیشتر سوق می دهند. میزان بیشتر از اطلاعات در دسترس بازیگران مساوی است با تسهیل تصمیم گیری که دارای سودمندی دوجانبه و منافع مشترک است. شفافیت نیز به بازیگران اجازه می دهد تا اهداف دیگران را با قطعیت بیشتر اندازه گرفته و در نتیجه عدم اطمینان در محیط معضل امنیتی را کاهش دهند. دوم، در نتیجه ی شفافیت بیشتر، فناوری اطلاعات و ارتباطات در حال تغییر ماهیت قدرت در سیستم بین الملل، کاهش اهمیت قدرت سخت- منابع نظامی- و افزایش نقش قدرت نرم و توزیع قدرت میان تعداد بیشتری از بازیگران در سیستم بین الملل است (McCarthy, 2015: 21-26). ابزارگرایی تکنولوژیکی معتقد است که تکنولوژی صرفاً یک ابزار است، یک ابزار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فردی که برای یک هدف خاص استفاده می‌شود. بر اساس این دیدگاه، فناوری کاملاً خنثی است و صرفاً براساس اهداف تعریف شده توسط کاربران عمل می‌کند. برای ابزارگرایان، انسان‌ها می‌توانند تکنولوژی را مستقیم هدایت کنند و ترس از غلبه تکنولوژی بر استقلال انسان بی‌اساس است (Cockfield, 2007: 479-480). این فهم از تکنولوژی مبتنی بر این مبحث است که، موضوعات یا کالاهای تکنولوژیک^۳ به خودی خود بر نتایج سیاسی تاثیر نمی گذارند و یا منجر به تغییرات اجتماعی نمی شوند. البته این بدان معنا نیست که ابزارگرایان موضوعات تکنولوژیک را بی اهمیت می بینند، بلکه معتقدند استفاده ای که از آن شیء یا موضوع تکنولوژیک می شود به آن نقش علی در امور بشری می دهد، استفاده ای که به وسیله ی ویژگی های خود آن شیء تکنولوژیک تعیین نشده است. بسیاری از مناظره ها حول این موضوع که آیا اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات به گسترش استبداد کمک می کند یا دموکراسی در همین راستا قرار دارد، با این ادعا از سوی ابزارگرایان که هیچ یک از این دو به صورت ذاتی اتفاق نمی افتد. شاید برجسته ترین و کامل ترین موضع ابزارگرایانه متمرکز بر فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار جیمز روزنا یافت شود. وی برآن است که فناوری های الکترونیکی متنوع که در حال اشاعه در بازار جهانی هستند- قابل توجه ترین آنها شاید تلفن همراه و تلویزیون جهانی و نیز اینترنت است- در مرکز تحولات در هر سطحی از اجتماع هستند. در یک شرح روشن از ابزارگرایی تکنولوژیک روزنا بیان می‌کند: "می توان چنین استدال کرد که فناوری های اطلاعاتی اساساً خنثی هستند. آنها به خودی خود به اینکه خودشان را در مسیر ارزش های خاصی قرار بدهند متمایل نیستند. آنها بیشتر یا

¹ . Robert Keohane

² . Joseph Nye

³ . technological objects

ترجیحا خنثی هستند، بدین معنا که جهت گیری آنها توسط مردم مشخص می شود. این مردم و اجتماعات آنها هستند که ارزش ها را به اطلاعات القاء می کنند. چه خوب چه بد، این افراد و سازمان ها هستند که اطلاعات را به عرصه های سیاسی معرفی می کنند و در نتیجه آن را خوب یا بد می کنند. براین اساس، بی طرفی فناوری های اطلاعاتی قابل قبول است چراکه یک شخص دموکرات یا مستبد را به استفاده از اطلاعات به هر نحوی که مناسب ببیند، قادر می سازد". اما این تکنولوژی های جدید تاثیرات به سزایی را بر سیاست داشته اند و دارند که به تعدادی از آنها می شود:

۱. گسترش دموکراسی و جامعه مدنی، به صورت بالا بردن آگاهی عمومی و شعور سیاسی اجتماعی شهروندان؛
۲. سیاستگذاری عمومی را به صورت تحلیل های دقیق، کارآمد و سیستمی در مدل دولت رفاهی به بالاترین حد مطلوب خویش می رساند؛
۳. باعث قدرتمندی دولت ها در حفظ اطلاعات امنیتی و همینطور ایجاد کردن سامانه های جنگی اطلاعاتی می شود؛
۴. باعث می شود مقاومت ها در برابر جهانی شدن گسترده تر و کارآمدتر گردد و تمام حاشیه رفته ها امکان مبارزه پیدا کنند؛
۵. صلح، تساهل و دموکراسی و آزادی جهانی را در پرتو اصل شهروند جهانی، معنی خواهد کرد؛
۶. شهروند جهانی، برابری جهانی را با گسترش و فراگیر کردن حقوق بشر به همراه می آورد؛
۷. با ایجاد دموکراسی و دیپلماسی دیجیتالی جنگ را در سطح بین المللی کم رنگ می کند؛
۸. حساسیت انسان ها نسبت به اطرافشان را کاهش داد و همه امور را تبدیل به بازنمایی غیرواقعی می نماید (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۰۸ و ۲۲۱-۲۲۰). مفهوم ابزار گرایی تکنولوژیکی حداقل ۳ نکته را بیان می کند:
 ۱. فناوری، به عنوان یک ابزار محض، بی تفاوت نسبت به اهداف آن می تواند به کار گرفته شود؛
 ۲. به نظر می رسد که فناوری نسبت به مسائل سیاسی بی تفاوت است، یعنی یک تلفن همراه بدون توجه به هدف و کارکرد آن یک تلفن همراه است و لاغیر که اداف بکارگیری آن می تواند توسط افراد، نهادها و یا دولت ها تعریف شود؛
 ۳. ذات تکنولوژی مبتنی بر بی طرفی سیاسی و اجتماعی است و به عنوان یک ابزار در خدمت اهداف بازیگران در نظر گرفته می شود (Feenberg, 2002: 6-7). با توجه به این چارچوب باید بیان کرد که در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان از پیامدهای مثبت و منفی گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در امان نبوده است. با توجه به موقعیت منطقه ای و بین المللی ایران و فعالیت کشورهای مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی لازم است نظام سیاسی ایران برای جلوگیری از وارد شدن آسیب به مشروعیت سیاسی نظام و در راستای تقویت آن، واقعیت های موجود را در نظر بگیرد و با سیاستگذاری مناسب در این حوزه، فضای مجازی و فناوری-

های اطلاعاتی و ارتباطاتی را به فرصتی برای ارتقاء مشروعیت سیاسی نظام تبدیل کند که به دنبال آن مشارکت، اعتماد، همکاری، سرمایه اجتماعی، قدرت مانور منطقه‌ای و بین‌المللی ایران نیز افزایش می‌یابد.

۴. رابطه فناوری اطلاعات و مشروعیت حکمرانی سیاسی

پدیدار شدن شبکه های اطلاعاتی الگوهای حکمرانی را به سه شیوه متأثر ساخته است: اولاً دیگر تنها دولت‌ها کنشگران موضوعات فناورانه در سطح جهانی نیستند (تکثیر اقتدار)؛ ثانیاً وضعیت جدید بیشتر شبیه یک تکثیر فناورانه است تا یک نظم فناورانه؛ و ثالثاً شکل‌گیری شبکه‌های وفاداری در سطح جهانی، مانند گروه‌های حاشیه‌ای، تروریستی و جنبش‌ها، به نادیده گرفتن مراکز سنتی مشروعیت و اقتدار انجامیده است. درخصوص تأثیرات تکنولوژی‌های اجتماعی جدید دو دیدگاه وجود دارد، از نگاه این دورنمای کلی، فناوری‌ها با تسهیل شکل‌های نامتعارف جنگ و خشونت، به ویژه از سوی بازیگران غیردولتی و تروریست‌ها، تهدیدی علیه [حاکمیت] دولت‌ها محسوب می‌شود. تهدید دیگر این فناوری‌ها سلب قدرت کنترل دولت بر جریان‌های اطلاعاتی به داخل و خارج کشور و در این خصوص هدف اصلی، تأمین امنیت دولت یا حاکمیت است. نظم جهانی حاصل رمزگذاری از این دورنمای کلی نیز نظامی از دولت‌های دارای حاکمیت است نقدهایی نیز به تأثیر فناوری اطلاعات بر مفهوم حاکمیت وارد شده، گروهی دیگر استدلال‌شان به اینگونه است که علیرغم این عقیده عمومی که فناوری اطلاعات تهدیداتی را متوجه حاکمیت کشورها می‌کند، با یک نگاه دقیق‌تر به این نتیجه می‌رسیم که فناوری اطلاعات نه تنها حاکمیت دولت‌ها را تهدید نمی‌کند بلکه آن را تقویت نیز می‌نماید زیرا می‌تواند قدرت تأثیرگذاری بر شهروندان را افزایش داده و با رصد کردن فعالیت مخالفان اصول و اهداف نظام سیاسی، افکار عمومی را هدایت نماید. علاوه بر آن فناوری اطلاعات می‌تواند باعث تقویت اجرای قانون و نظم و حفظ امنیت می‌شود (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۷-۸۶).

فناوری اطلاعات امروزه به یکی از ابزارها و گاه حتی پارادایم اداره امور جوامع بدل شده است. بی تردید این نقش-آفرینی در حوزه عمومی ارتباط وثیقی با مقوله حکمرانی دارد و چه به صورت ابزار و چه در وجه رکنی از نظام اجرایی بر فرایندهای حکمرانی و مشروعیت اثرگذار خواهد بود. مقصود از ارتباط میان فناوری اطلاعات و حکمرانی نیز نوعاً با اشاره به همین تصویر و به معنای شیوه‌های بکارگیری فناوری اطلاعات در حکمرانی و همچنین تأثیر و تأثر متقابل میان مردم و حکومت از رهگذر استفاده از این فناوری‌ها خواهد بود. کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی، خارج شدن انحصار دسترسی به اطلاعات از سوی دولت‌ها و نیز سهولت استفاده از شبکه‌های ارتباطی برای انتشار اطلاعات و به یک معنا کمک به تسهیل گردش آزاد اطلاعات در جوامع و نیز در محیط پیرامونی و خارج از جامعه ملی و محلی، همه و همه نشان‌دهنده تحولی عمیق در مختصات وجودی و کارکرد جوامع و دولت‌هاست. ارتباط میان حکمرانی خوب و فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی تا اندازه‌ای وثیق است که به باور عده‌ای از پژوهشگران کاربست فناوری اطلاعات زمانی قرین موفقیت است که در نهایت به بسط حکمرانی خوب منجر شود. فناوری اطلاعات امکانات گسترده‌ای را برای تحقق یافتن اهداف و اصول حکمرانی خوب ایجاد می‌کند؛ استفاده از این

فناوری‌ها بهینه‌سازی فرایندهای ارائه خدمات در بخش عمومی، تسریع ارائه خدمات به شهروندان، پاسخگویی کارگزاران دولتی، شفاف شدن اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولتمردان، مشارکت اثربخش شهروندان و اعضای جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری عمومی، گسترش عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات و... را در پی خواهد داشت (سلطانی نژاد و گودرزی، ۱۳۹۶: ۸۲ و ۹۱). میزان مطلوبیت و پتانسیل تکنولوژی‌های اطلاعاتی برای مشروعیت نظام‌های سیاسی را می‌توان در سه مورد دسته‌بندی کرد:

۱. **دسترسی مردم:** هر چه دسترسی مردم به تکنولوژی‌های پیشرفته به لحاظ کمی و کیفی بیشتر باشد رژیم سیاسی مردم را به صورت شهروند مخاطب قرار خواهد داد. حتی اگر با آن‌ها جلو نیاید عقب‌مانده می‌شود و در آینده‌ای نزدیک چرخش نخبگی زیادی را تجربه خواهد کرد که برای حفظ مشروعیت نظام سیاسی امری ضروری است.

۲. **استفاده دولت:** اولییتی که دولت برای سیاست‌گذاری در امر عمومی تکنولوژی اطلاعات انجام می‌دهد می‌تواند در شکل‌گیری رابطه تکنولوژی اطلاعات و مشروعیت سیاسی بسیار مؤثر باشد. اینکه هدف کنترل و ایجاد کردن نظم امنیتی، کنترلی و رفاهی است یا هدف استفاده از نظرات، پیشنهادات و انتقادهای شهروندان؟ اینکه دولت می‌خواهد مبلغ نوع خاصی از سبک زندگی باشد یا اینکه تنها به حوزه سیاست به معنای پلیس سرو کار دارد؟ اینکه دولت در سیاست‌گذاری خود رویکرد فعال دولت الکترونیک را دنبال می‌کند یا هدف رسیدن به اقتصادی شکوفا و جا نماندن از قافله اقتصاد بین‌الملل است؟ همه می‌تواند نوع اثر گذاری را تعیین کند.

۳. **مشروعیت سیاسی:** مشروعیت‌های سنتی و حتی مدرن به سختی می‌توانند با عصر اطلاعات و پیامدهای استاندارد آن بر عرصه سیاسی برخورد عادی داشته باشند. مشروعیت سیاسی سنتی خود را بی‌نیاز از تکنولوژی می‌داند و به شدت نگاه ناقدانه‌ای به آن دارد. سعی می‌کند در برخورد با تکنولوژی اطلاعات آن را سانسور کرده و هر کجایش را که قدرتش را به لحاظ امنیتی، نظامی و انضباطی افزایش می‌دهد، بردارد و بقیه را حذف کند. عمده مشکل رژیم‌های سنتی در برخورد با تکنولوژی اطلاعات بحث اخلاق و مذهب می‌باشد که پس از چندی خود را به صورت‌های مختلف مانند فیلتر کردن فضای مجازی برای کنترل جامعه نشان می‌دهد. همین مورد در باره مشروعیت‌های مدرن نیز بارز است. هر چه ویژگی مشروعیت سیاسی رژیم بازتر، متکثرتر و نرم‌تر باشد و فرهنگی انتقادی و خلاق را زیربنای مشروعیتی خویش قرار دهد در برخورد با تکنولوژی اطلاعات نه تنها آسیب نمی‌بیند که می‌تواند از امکان‌های بی‌شمار آن نیز بهره گیرد (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۱۹). بطور کلی باید بیان کرد که با توجه به گستردگی تکنولوژی‌های جدید اجتماعی در جهان و تبدیل شدن آن به یکی از ابزارهای اجتناب‌ناپذیر زندگی امروزه نباید از تأثیر آن بر مشروعیت سیاسی حکمرانی نظام‌های سیاسی غافل ماند. این فضا هم می‌تواند تهدیدی علیه مشروعیت حکمرانی سیاسی باشد و

هم می‌تواند فرصتی برای ارتقاء آن؛ که بستگی به نوع رویارویی و سیاستگذاری نظام‌های سیاسی با فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد.

۵. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی در ایران

امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه توانایی علمی و فناوری را به جای قدرت نظامی در نظر گرفته‌اند. دستیابی به توسعه پایدار در یک کشور مستلزم انجام مطالعات میان رشته‌ای و متعاقباً تحولات در ابعاد اقتصادی، زیست محیطی، علمی- فناوری، سیاسی و اجتماعی است. با توجه به تأثیر مشارکت و توسعه سیاسی بر امنیت، اقتصاد و توسعه اجتماعی، دستیابی به آنها یکی از الزامات توسعه پایدار است. به عبارت دیگر، توسعه باثبات در زمانی که بتواند حاکمیت اراده سیاسی را با تمرکز بر مشارکت عمومی امکان‌پذیر کند، پایدار است. واضح است که یک دولتی که چنین مکانیسمی داشته باشد دارای قدرت مسئولیت و پاسخگویی در قبال مردم است (Saghafi & et al, 2016: 1765-1766). کارکرد فناوری‌های جدید ارتباطی به سیاست نزدیک است هیچ سیاست و حکومتی بدون نظارت، کنترل و حمایت فناوری‌ها نمی‌تواند شکل بگیرد و پایدار باشد. این امر به دلیل ارتباط تنگاتنگی است که وسایل ارتباط جمعی با افکار عمومی دارند و نهایتاً فکر خود را برخاسته از افکار عمومی و برای آن می‌دانند. در واقع حکومت‌هایی که بر مبنای دموکراسی عمل می‌کنند چون محتاج آراء مردمی‌اند مجبورند امتزاج و نزدیکی را با وسایل ارتباط جمعی برقرار کنند. ما معتقدیم که تأثیر رسانه‌ها در تحولات سیاسی و اجتماعی کشورها همچنان ادامه خواهد داشت. امروزه ما شاهد رسانه‌های اینترنت و ماهواره هستیم که مرزهای سیاسی را کم رنگ کرده و نهایتاً تأثیراتی را به دنبال داشته است (عقیلی و جعفری، ۱۳۹۱: ۷-۵). دولت الکترونیک به ویژه توانایی پیشرفته در جمع‌آوری و اشتراک‌گذاری اطلاعات، انقلابی است در شیوه‌های کسب مشروعیت سیاسی. با گسترش ICT روند اداره یک ملت و قدرت نفوذ به طور فزاینده‌ای توزیع می‌شود، از این رو وظایف حاکمیت - در سطح ملی و بین‌المللی - به تدریج پیچیده‌تر و چالش برانگیزتر می‌شوند. طیف وسیعی از روندهای مدرن از همه زوایا روی سیستم حاکمیتی تأثیر می‌گذارد. مشروعیت سنگ‌بنای حکمرانی خوب است و تا حد بسیار زیادی برای نمایندگان جامعه مدنی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، دولت و... مشروعیت ضروری است. با ارتقاء مشروعیت سیاسی یک سیستم، شهروندان ابراز اطمینان بیشتری نسبت به سیستم حکومتی می‌کنند و فرصت‌های گسترده‌تری برای مشارکت شهروندان ایجاد می‌شود (Selian, 2002: 26 & 31-32). در عصر حاضر هم شهروندان و هم دولت‌ها متوجه پتانسیل فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای افزایش کارایی فرآیند تصویب و مشروعیت سیاسی شده‌اند. مشارکت شهروندان از طریق این فضا در حاکمیت و فرآیند سیاست‌گذاری پتانسیل بسیار خوبی برای بهبود رابطه سیاستگذاران و شهروندان است (Ostling, 2010: 1).

ضریب نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران، از دهه ۱۳۸۰ افزایش چشمگیری داشته به طوری که به متغیر تأثیرگذار برای بیان برخی تغییرات سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. هرچند تأثیر تحولات مربوط به این فناوری‌ها تهدید جدی‌ای را در بر نداشته ولی آسیب‌پذیری کشور در برابر موجی از تغییرات را داشته است. اختلاف میان دولت و

گروهی از مردم، افزایش فعالیت گروه‌ها و بازیگران خارجی علیه دولت، تهدید ارزش‌های دینی و تضعیف انسجام ملی می‌تواند در این راستا قابل ذکر باشد که راهکارهایی اساسی و نه برخوردهای مقطعی را می‌طلبد (سلطانی نژاد، ۱۳۹۲: ۸۰-۷۹). فضای مجازی همچون سیستم عصبی حرکت می‌کند که بخش‌های مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد و به تدریج جامعه به سمت آن می‌رود که بخش اعظم فعالیت‌ها و تحرکات اجتماعی را در این فضای مجازی برنامه‌ریزی و عملیاتی کند. بدیهی است که گسترش شتابان فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در جامعه و گرایش فزاینده به سمت این فناوری‌ها به ویژه از جانب قشر جوان از یک طرف و جریان یافتن بیشتر فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی در فضای مجازی از طرف دیگر، به تدریج جهان نوینی در کنار جهان واقعی برای سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ تدابیر امنیتی مطرح خواهد کرد. این بدان معناست که محیط عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف امنیتی، سیاسی و فرهنگی دیگر محدود به جهان واقعی نخواهد بود، بلکه جهان مجازی که حاصل تعاملات و ارتباطات الکترونیکی افراد و گروه‌ها از طریق اینترنت، ماهواره و تلفن همراه است، فرصت‌ها و تهدیدات نوینی را فراروی کشور قرار می‌دهد. نقش فزاینده فناوری‌های بنیادین فضای مجازی در فرهنگ و حیات اجتماعی و تأثیرگذاری آن بر کیفیت و الگوهای تعاملی میان دولت‌ها و ماهیت تهدیدات (اهمیت یافتن تهدیدات نرم در مقابل تهدیدات سخت و امنیت نرم در مقابل امنیت سخت) ایجاب می‌کند تا فضای مجازی در ذهن سیاست‌گذاران امنیتی، اهمیتی همپای جهان واقعی داشته باشد (نورمحمدی و طالبی آرانی، ۱۳۹۵: ۱۸۳). فرصت‌هایی که نظام جمهوری اسلامی ایران برای ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی خود می‌تواند از این فناوری‌ها به دست آورد عبارتند از:

۱. آگاهی از تقاضاها، مشکلات، مطالبات و نگرش‌های گروه‌ها، اقشار و طبقات مختلف و نیز حمایت‌های آن‌ها (به‌مثابه دروندادهای نظام) و تلاش در پاسخگویی مناسب و به‌موقع به این تقاضاها و حمایت‌ها (به‌مثابه بروندهای نظام). این قابلیت ارتباطات شبکه‌ای فرصتی بی‌نظیر را برای هسته‌های تصمیم‌گیری نظام سیاسی کشور ایجاد می‌کند تا با آگاهی بی‌واسطه، ارزان و سریع از این تقاضاها و پاسخ مناسب و مقتضی به آن‌ها، ضمن تأمین بقا و سلامت نظام سیاسی کشور، با جلب رضایت و حمایت این گروه‌ها، مشروعیت سیاسی خود را افزایش دهند؛

۲. فناوری‌های جدید، شهروندان را قادر کرده است که برای طرح انتقادات و اعتراضات خود به‌جای توسل به اشکال نامتعارف کنش سیاسی همچون اعتراضات خیابانی، لشکرکشی‌های توده‌ای و تجمعات اعتراضی که معمولاً متضمن درجه‌ای از خشونت و در مواردی ناامنی و بی‌نظمی است، از طریق امضای طومارهای اینترنتی، طرح نظرسنجی‌های آنلاین، ارسال و دریافت ایمیل‌های اعتراضی، تجمعات مجازی و سایر اشکال ممکن، به طرح تقاضاها و اعتراضات خود به شیوه‌ای بسیار مسالمت‌آمیز و درعین حال کارآمد مبادرت ورزند؛

۳. در فضاهای جدید ارتباطی احساس خوب و مثبتی از توانمندی سیاسی برای کنشگران فراهم می‌شود، زیرا شهروندان احساس می‌کنند آزادانه‌تر می‌توانند وارد عرصه سیاسی شوند، مشارکت کنند و تأثیرگذار باشند.

اهمیت این احساس ذهنی در مورد جوانان، اقوام و گروه‌های حاشیه‌ای جامعه وقتی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم معمولاً در اغلب جوامع، این گروه‌ها همواره به‌صورت ناخودآگاه یک نوع احساس ذهنی نادیده گرفته شدن، محروم واقع شدن، مورد تبعیض واقع شدن و ناتوانی از تأثیرگذاری بر روندهای مسلط را با خود به همراه دارند. این احساس تأثیرگذاری نیز به‌نوبه خود با تضعیف تمایلات رادیکال و اگرایی ناشی از احساس نارضایتی و تبعیض، مدیریت سیاسی در جامعه را آسان کرده و مشروعیت سیاسی و آرامش اجتماعی را برای جامعه ملی به ارمغان می‌آورد و شکاف جامعه و حکومت را کاهش داده و هم فهمی را افزایش دهد (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۴-۶)

۴. کارایی یک سیستم مردم‌سالار تنها در بیان نیست بلکه در شیوه‌های واقعی و مؤثر دموکراتیک که نیاز به مشارکت مدنی فراگیر دارد است. وقتی شهروندان این فرصت را دارند که در مورد مسائل عمومی فکر کنند، گزینه‌های سیاسی جایگزین را در نظر بگیرند، خواسته‌ها و توانایی‌های نظامی و سیاسی را ارزیابی کنند، آن‌ها در شکل دادن به سیاست‌های دولت شرکت می‌کنند و به تبع آن دولت و تصمیمات نظام مشروعیت سیاسی بیشتری کسب می‌کنند. همبستگی شهروندان مبتنی بر مشارکت فراگیر موجب احترام بیشتر خوش‌بینی بیشتر، ترس کمتر و در نتیجه افزایش اعتماد و تحمل سیاسی می‌شود (Maldini, 2015: 107).

۵. تا پیش از ورود فناوری‌های جدید، این حکومت‌ها بودند که بر شهروندان اعمال کنترل و نظارت می‌کردند اما امروزه شهروندان نیز دائماً بر رفتار و گفتار مسئولان خود نظارت دارند؛ بنابراین، مبارزه با فساد سیاسی و اقتصادی، جلوگیری از رانت‌خواری و باندبازی، تقدم ضابطه بر رابطه، شایسته‌سالاری در نظام گزینش کشور و انتصابات مسئولین و مدیران خرد و کلان، متضمن آن است که اعتماد شهروندان به‌نظام سیاسی و حکومت بازسازی‌شده و بنابراین فرایند مشروعیت‌زدایی از حکومت در شبکه‌های مجازی وارونه شده و به فرایند مشروعیت‌افزایی تغییر شکل دهد؛

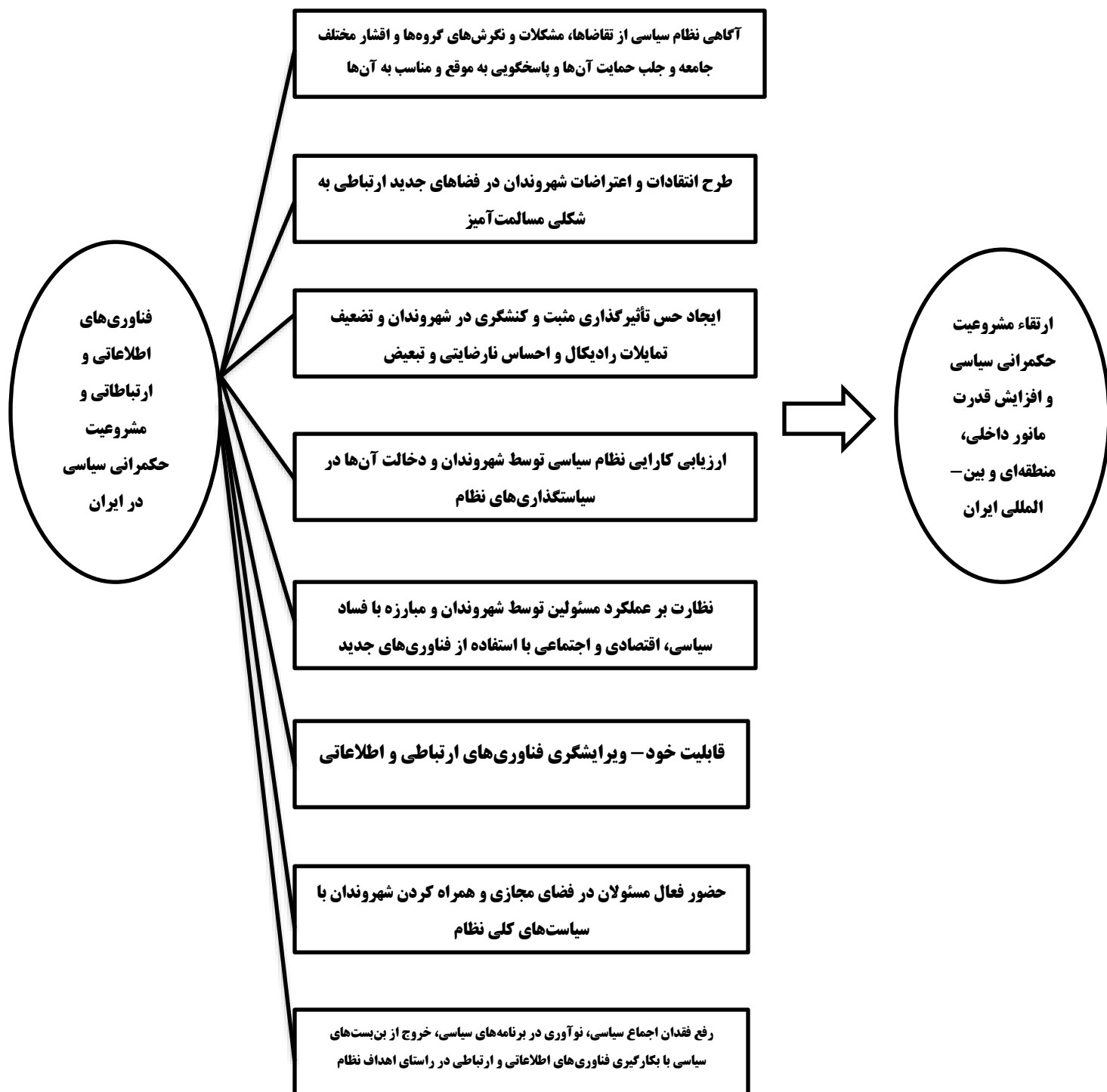
۶. باید در نظر داشت که فضای اینترنت، به‌طور کلی، یعنی هم شامل وبسایت‌ها، حوزه وبلاگی و نیز حوزه شبکه‌های اجتماعی دارای یک مکانیزم خود-ویرایشگر است؛ به این معنا که اطلاعات نادرست و ناموثق در فضای مجازی یافت شده و توسط دیگر تولیدکنندگان اطلاعات به چالش کشیده می‌شود؛ بنابراین، اگرچه نشر اکاذیب و شایعات و اطلاعات علیه ثبات جامعه در فضای مجازی کاری آسان است، اما این اطلاعات به‌ندرت می‌توانند مخاطبان گسترده‌ای پیدا کنند بدون آنکه توسط اطلاعات تصحیح‌کننده دیگر به چالش کشیده شوند؛

۷. دولتمردان، مسئولان بلندپایه و سازمان‌ها و نهادها می‌توانند با حضور در شبکه‌های اجتماعی، دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و شهروندان را از فعالیت‌ها، اهداف و چالش‌های پیش روی خودآگاه سازند (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۸-۷).

۸. دولت‌ها می‌توانند از طریق ظرفیت‌های تکنولوژی، آزادانه استراتژی‌های سیاسی خود را دنبال کنند و به همکاری مستقیم با شهروندان متوسل شوند. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای رفع فقدان اجماع سیاسی،

نوآوری در برنامه‌های سیاسی یا حتی خروج از بن بست‌های سیاسی به کار گرفته شود. این فناوری‌ها منابع در دسترس دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را افزایش داده است. علاوه بر این، درگیر کردن شهروندان از طریق ICT مشروعیت سیاسی و بازدهی نظام سیاسی را تقویت می‌کند که این امر قابلیت پیش‌بینی سیاسی دولت‌ها را افزایش می‌دهند. ICT کمک می‌کند تعاریف مشترک و ساختار محتوای یک راه حل سیاسی شناسایی شود که این استراتژی منجر به طراحی سیاست‌هایی مؤثر برای استفاده از ظرفیت‌های شهروندان می‌شود. این فضا کمک می‌کند تا زمینه‌های اجماع در مورد مسائل مهم و عادی سیاسی فراهم شود (Capanc & Pavan, 2019: 101 & 114).

درمجموع می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران باید از امنیتی‌سازی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید پرهیز کند و درمقابل برای پیامدهای منفی آن می‌تواند سیاستگذاری‌های مناسبی برای جلوگیری از جاسوسی، دفع حملات سایبری، دفع تأثیرات حملات روانی - سیاسی مخالفان نظام و... انجام دهد و نهادهایی مؤثری با استفاده از جوانان نخبه در این حوزه تشکیل دهد که برون دادهای مناسبی به دنبال خواهد داشت و فیلتر کردن آن در عصر ارتباطات و اطلاعات مدیریت مناسب نیست. شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر در زندگی سیاسی - اجتماعی مردم ایران است و مخالفان نظام نیز با اجرای برنامه بلندمدت به دنبال کاهش مشروعیت نظام و ایجاد ناکارآمدی‌هایی در سیستم است. از اینرو تبدیل تهدیدهای این فضا به فرصتی برای ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی نظام باید از اولویت‌های سیستم سیاستگذاری ایران باشد.



تکنولوژی جدید ارتباطی و اطلاعاتی یک عرصه ارتباطات بی‌بدیل را به وجود آورده است که زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و مراکز قدرت سنتی را به وجود آورده است. بعد از جنگ سرد اینترنت وارد عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه شد که تأثیرات شگرف و گسترده‌ای را ایجاد کرد. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید از یک سو ابزاری برای گسترش افکار، عقاید و نمادهای کنشگران اجتماعی است و از سوی دیگر عاملی مهم در آگاهی سیاسی- اجتماعی و ارتباط فعالان سیاسی با یکدیگر و با مردم و بسیج آن‌ها می‌باشد و اکنون این شبکه‌های اجتماعی به یک واقعیت مسلم در زندگی مردم تبدیل شده است. شبکه‌های اجتماعی با فشرده‌سازی زمان و مکان، قابلیت‌هایی چون انتقال پیام، تصویر، فیلم و... را در اختیار کاربران برای اهداف مختلف از جمله: تبادل اطلاعات، آگاهی‌بخشی، سازماندهی اعتراضات و... قرار داد. وسایل ارتباط جمعی مانند اینترنت، تلفن همراه، شبکه‌های جمعی و... : همچون نهادی سیاسی- اجتماعی با اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، دنیای سیاسی و اجتماعی را برای افراد قابل فهم‌تر کرده است و با تأثیر بر نگرش و باورهای اعضای جامعه به اهداف طراحی شده توسط کاربران آن می‌رسد. از طرفی گسترش روزافزون این فناوری‌ها موجب شده است مردم بیشتر در معرض اطلاعات سیاسی قرار گیرند و نیازهای آن‌ها به اطلاعات سیاسی را برآورده می‌سازند. ارتقاء مشروعیت حکمرانی سیاسی از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از جمله کارکردهای مثبت این فضا است. نظام ایران امروزه به این فضا به عنوان عاملی امنیت‌سوز نگاه دارد و از فرصت‌های آن غافل مانده است. این برداشت منفی از فناوری‌های جدید از یک سو نهادهای امنیتی را به سوی فیلترینگ پیش می‌برد که با توجه به فناوری‌های آنتی- فیلترینگ این امر دشوار شده است و مردم نیز این اقدام را به عنوان تحدید حریم خصوصی تلقی کرده و نارضایتی سیاسی- اجتماعی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر این نگاه باعث غفلت از فرصت‌های فضای موجود مانند استفاده از آن برای ارتقاء مشروعیت نظام سیاسی، اتحاد ملی، سرمایه اجتماعی و... می‌شود. بنابراین ضروری است به دور از افراط و تفریط واقعیت‌های موجود این فضا را دید و رویکردی دقیق و علمی بکار گرفت تا این فناوری‌ها را به فرصتی برای نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرد.

۱. اسلامی، روح‌اله، (۱۳۹۳)، «منطق‌های سه‌گانه ارتباط تکنولوژی اطلاعات و سیاست»، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، سال سوم، شماره ۹، صص ۲۲۴-۲۰۵.
۲. خانیکی، هادی؛ بابائی، محمود، (۱۳۹۰)، «فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی: مفهوم و کارکردها»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه‌اطلاعاتی، دوره اول، شماره ۱، صص ۷۱-۹۶.
۳. رضائیان، مجید، (۱۳۹۳)، «شبکه‌های اجتماعی؛ چالش در تعریف افکار عمومی»، فصلنامه رسانه، سال بیست و پنجم، شماره ۱، صص ۷۹-۹۰.
۴. سلطانی نژاد، احمد؛ موسوی شفاء، مسعود؛ اسدی نژاد، الهام، (۱۳۹۲)، «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۷۹-۱۱۲.
۵. سلطانی نژاد، احمد؛ اسلامی، محسن؛ راستگو، محمد زمان، (۱۳۹۵)، «فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در روابط بین‌الملل»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال هفتم، شماره ۱، صص ۶۹-۹۹.
۶. فرامرزیانی، سعید؛ هاشمی، شهناز؛ فرهنگی، علی‌اکبر، (۱۳۹۵)، «نقش رسانه‌های مجازی در تغییرات ارزش‌های اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی تلگرام و فیس‌بوک»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۴۸-۱۲۳.
۷. قلی‌پور، مجتبی، (۱۳۹۳)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و ثبات سیاسی در ایران»، مجله شبنم مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، صص ۸-۱.
۸. عقیلی، سید وحید؛ جعفری، علی، (۱۳۹۱)، «نقش اینترنت در توسعه سیاسی»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال هفتم، شماره ۱۹، صص ۱-۹.
۹. میناوند، محمدقلی، (۱۳۸۵)، «اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک»، فصلنامه پژوهش علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۱۹.
۱۰. سلطانی‌نژاد، احمد؛ گودرزی، سهیل، (۱۳۹۶)، «فناوری اطلاعات و تحول در حکمرانی خوب»، فصلنامه سیاست، دوره چهل و هفتم، شماره ۱، صص ۷۹-۹۷.
۱۱. نورمحمدی، مرتضی؛ طالبی‌آرانی، روح‌اله، (۱۳۹۵)، «گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات؛ رویکردهای نظری و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۶۹-۱۹۰.

12. Feenberg, Andrew, (2002), «Critical Theory of Technology», Available at: www.sfu.ac.

13. CockField, Arthur; Pridmore, Jason,(2007) , «A Synthetic Theory of Law and Technology», *MINN.J.L*, 8 *TECH*,(8)2, pp473-513.
14. Saghafi, Fatemeh; Zarei, Behrouz; fadaei, Maryam,(2016), " The conceptual model for the effect of technology on the political and social aspects of Iran's e-government", *Quality & Quantity* 50, no. 4, pp 1765-1780.
15. Maldini, Pero,(2015), " Network Society and Democracy: How ICT Mediated Communication and Virtual Socialization Affects Political Participation", *COMMUNICATION MANAGEMENT REVIEW*, No 1, pp 104-121.
16. Selian, Audrey N.,(2002), ICTs in Support of Human Rights, Democracy and Good Governance, INTERNATIONAL TELECOMMUNICATION UNION.
17. Capano, Giliberto; Pavan, Elena,(2019), " Designing anticipatory policies through the use of
18. ICTs", *Journal Policy and Society*, Vol 38, No 1,pp 96-117.
19. McCarthy, Daniel.R,(2015) , *Power, Information Technology, and International Relation Theory(The Power and Politics of US Foreign Policy and Internet)* , Palgrave Studies in International Relations Publication, Basing Stoke, Hamp Shire RG21 6XS, England.
20. Ostling, Alina, (2010), " ICT in politics: from peaks of inflated expectations to voids of disillusionment", *European Journal of ePractice*, No 9, pp 1-9.